

## حقوق مالیه در اسلام

رقیه شهبازی\*

### چکیده

در این مختصر، ابتدا راه‌هایی که اسلام برای رفع عدم گردش پول بیان کرده، با نام «ساختار حقوق مالیه» در هشت عنوان، فهرست شده است. بعد از ترسیم این ساختار، درباره هر کدام از موارد، به صورت تطبیقی بین خمس، زکات، جزیه و خراج سخن به میان آمده و تفاوت‌های هر یک با دیگری بیان شده است. در پایان، درباره ضمانت اجرایی این مالیات‌های اسلامی توضیحی کوتاه ارائه شده و اینکه ضمانت اجرایی خمس و زکات، پاداشی اخروی است ولی ضمانت اجرایی زکات، غیر از ثواب الهی و نیز جزیه و خراج، جمع‌آوری آنها از طرف حکومت، به دست مأموران جمع‌آوری است.

### واژگان کلیدی

زکات، خمس، جزیه، خراج، مالیات، حکومت اسلامی.



## مقدمه

هر نظامی برای برقراری و پایداری خود، دارای برنامه‌هایی خاص است تا استمرار یابد و نظم و امنیت در آن برقرار باشد. این برنامه‌ها، رویکردهایی مختلف را از قبیل قانونگذاری، اجتماعی، نظامی، اجرایی، اقتصادی و .... دارا می‌باشد.

نظام اسلامی نیز دارای چنین رویکردهایی است و نظام اقتصادی آن از نظر هدف، با واقعیت انسانی از لحاظ خلق و خوی انسان و سرشت و انگیزه‌هایش هماهنگی دارد و در وضع قوانین، روش‌های اقتصادی خود را براساس دید واقعی قرار می‌دهد، نه یک دید خیالی و غیرواقعی.

مثلاً گاهی برای رفع نیازهای فقرا و مستمندان، ثروتمند باید مالی را با عنوان عام اتفاق بپردازد و از این رهگذر، احتیاجات فقیر برطرف می‌شود؛ ولی از طرف دیگر، گداپرووری نمی‌کند؛ بلکه اگر همین شخص نیازمند، مالی را پس‌انداز کند، باید از قیل همین پس‌انداز خود، دست دیگری را بگیرد و از نظر شرعی، خمس مالش را بپردازد.

این نوع نگرش و اجرای آن، نشان‌دهنده هدفی عینی است. به این معنا که اقتصاد اسلامی براساس «همکاری و همیاری» بنیاد نهاده شده و به همین دلیل است که ادای واجبات مالی، جزو عبادات شرعی است و چون عبادت است، هم تربیت اسلامی زیر بنای ادای این واجب است و هم عدالت اجتماعی را برقرار می‌سازد.

نیروی کار موجود در جامعه را<sup>۱</sup> به طور کلی می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:  
گروه اول: کسانی که از قدرت فکری و انرژی عملی بالایی برخوردار هستند و با استفاده از این مزیت الهی می‌توانند در عالی‌ترین سطح مالی زندگی کنند و به اصطلاح غنی باشند.  
گروه دوم: افرادی که با کار کردن خود، فقط قادر به برآوردن نیازهای عادی زندگی هستند و در سطحی متوسط و به نوعی قابل قبول از نظر درآمد قرار دارند.

گروه سوم: اشخاصی هستند که یا به علت عدم توانایی ذهنی و فکری یا به علت عدم توانایی جسمی، قادر به فکر کردن و کار کردن و در نتیجه تأمین مایحتاج زندگی خود نیستند و کسی نیز نیست که آنها را از نظر مالی تأمین کند و یا با وجود کار کردن، باز هم نمی‌توانند نیازهای اولیه زندگی را برآورده سازند و به اصطلاح مستمند و فقیر هستند.

حال اگر در جامعه‌ای، ایجاد و تولید محصول و به دست آوردن ثروت به اندازه کافی یا بیشتر وجود داشته باشد، ولی توزیع نشود، آیا می‌توان آن جامعه را فعال و پویا و در نتیجه زنده تصور کرد؟ تولیدی که فقط در انبارها ذخیره شود و یا کاری که بدون بهره‌وری باشد، چه نفعی را دربر دارد؟ در نگرش کلان‌تر، یعنی اگر مبادله و گردش بین تولیدها و کارها انجام نشود، آیا جامعه دارای حیات اقتصادی فعال خواهد بود؟ در حالی که جامعه پویا برای استمرار و دوام خود، نیاز به کار و فعالیت دارد و برای پویایی اقتصادی نیز، مبادله اقتصادی لازم است.



## مبادله اقتصادی یعنی چه؟

مبادله به چند صورت قابل تصور است:

گاهی مبادله علمی است؛ گاهی تعامل دینی است؛ گاهی همکاری اجتماعی است و گاهی مبادله اقتصادی است.

مبادله اقتصادی بدین معنا که کاری انجام شود و در قبال آن مثلاً محصولی تولید شود. مالک، مسلماً تمام آن محصول را برای خود نمی خواهد. به اندازه نیاز، از آن برمی دارد و بقیه را باید یا با کالایی که مورد نیازش است، به صورت پایاپای معامله کند، یا به فروش برساند. وقتی فروش با پول انجام شود تا زمانی که دارنده پول، با آن نیازهای دیگر خود را تأمین نکرده و یا تولیدی انجام نداده باشد، پول، راكد و به صورت اندوخته در دست او باقی می ماند که موجب خارج شدن آن از چرخه اقتصادی جامعه و نیز افزایش ثروت غنی می شود.

اسلام برای اینکه با تورم و تراکم ثروت و نیز عدم گردش پول و در نتیجه بی تحرکی جامعه، مقابله منطقی و اصولی انجام دهد، چند راه را در پیش رو قرار داده است:

- ۱- پرداخت خمس؛
- ۲- برقراری نظام پرداخت زکات؛
- ۳- مسئولیت متقابل همگانی که با عنوان عمومی «انفاق» بیان شده است؛
- ۴- فئ و انقال که در اختیار و تملک پیامبر و امام قرار دارد؛
- ۵- چنانچه غیرمسلمانی در زیر پرچم اسلام زندگی می کند و از آرامش و امنیت برخوردار است، باید «جزیه» بپردازد؛
- ۶- مبارزه با ربا و نزول خواری و تحریم آن؛
- ۷- جلوگیری از احتکار؛
- ۸- ارزش دادن به کار و کارگر و تشویق و ترغیب مسلمانان به انجام اعمال مفید و سودمند به حال خود و جامعه،

## ساختار حقوق مالیه چیست؟

راه هایی را که اسلام برای برقراری نظام گردش پول، رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی و .... در حکومت اسلامی و وجود نقدینگی در بیت المال قرار داده است، می توان تحت عنوان ساختار حقوق مالیه یا به عبارت دیگر مالیات در اسلام بررسی کرد. این ساختار به ترتیب زیر است:

- ۱- ملاک پرداخت این حقوق چیست؟
- ۲- منابع آن کدامند؟
- ۳- معافیت های آن، از چه قرار هستند؟



- ۴- هزینه‌های قابل قبول در نظام مالیاتی اسلامی، چه هزینه‌هایی هستند؟  
 ۵- دوره مالی، چه مدت است؟  
 ۶- نحوه محاسبه و پرداخت این حقوق مالی چگونه است؟  
 ۷- چگونگی اخذ آن؛  
 ۸- ضمانت اجرایی،

## (۱) ملاک پرداخت حقوق مالی

ملاک و معیار پرداخت این حقوق مالی یا مالیات در نظام اقتصادی اسلامی، در آمد و ثروت است. بدین معنا که اقشار کم‌درآمدی که ذخیره‌ای ندارند، از پرداخت آن معاف هستند. اما این پرداخت بر دو مبنای مهم استوار است. در تفسیر نمونه<sup>۱</sup> این دو مبنا اینگونه بیان شده است:

۱- پرداخت‌هایی که مربوط به حکومت اسلامی است و متعلق به آن، (خمس)

۲- آنچه که با پرداخت، جزو اموال عمومی جامعه اسلامی محسوب می‌شود. (زکات)

یعنی اسلام با عنایت به نابرابری طبیعی انسان‌ها و استعدادها و برای آنکه این نابرابری، مایه سلطه گروه غنی و ثروتمند و پراستعداد جامعه، بر گروه کم‌درآمد و یا بدون درآمد و یا کم‌استعداد نشود و اقشار جامعه را از هم دور نکند و نیز دولت اسلامی هم با خالی بودن بیت‌المال روبرو نشود، در مالی که از راه شرعی و حلال به دست می‌آید، برای این موارد حقی را قرار داده است. که در سوره الذاریات آیه ۱۹ آمده است:

«وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»

در اموال ایشان حقی برای سائل و محروم است. یا سوره معارج آیات ۲۴ و ۲۵:

«وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»

و آیاتی دیگر که همگی بیانگر معنای فوق است.

امام علی (علیه السلام) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه خطاب به مالک‌اشتر، اینگونه می‌فرماید:

«مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای بررسی کن که صلاح مالیات‌دهندگان باشد. زیرا بهبودی آن دو، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود، امور دیگران نیز سامان نخواهد گرفت. زیرا همه مردم نانخور مالیات و مالیات‌دهندگان هستند. باید تلاش تو در آبادانی زمین، بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌شود و آن کس که بخواد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد».

## (۲) منابع مالیاتی

الف) منفعته از هر راه شرعی و حلالی که به دست آید، مشمول مالیات اسلامی خواهد بود. این منفعت

۱. مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۸۳.



به دو صورت قابل ترسیم است:

۱- آنچه که به صورت درآمد است. این درآمد از راهایی مختلف به دست می‌آید و شامل همه آنها می‌شود. به این نوع درآمدها، معمولاً خمس تعلق می‌گیرد.

۲- آنچه که از تولید محصولات زراعی و دامی و یا با ذخیره کردن و به صورت گنج در آوردن طلا و نقره به دست می‌آید که به آنها با شرایطی، زکات تعلق می‌گیرد.

ب) منابعی که مستقیماً و الزاماً ارتباطی با درآمدهای مسلمانان ندارد و به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱- جزیه است که از کافر اهل کتاب دریافت می‌شود.

۲- از دیگر منابع درآمدی دولت اسلامی، خراج است.

### ۱- خمس

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ  
إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>۱</sup>

بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی‌ایمان) [روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید و خداوند بر هر چیزی تواناست!

یکی از منابع مالیات اسلامی، خمس است. هدفی که می‌توان برای آن بیان کرد، این است که در آن گردش مالی در بین سه گروه یاد شده در جامعه و از بین رفتن اختلاف فاحش طبقاتی و بودن نقدینگی در بیت‌المال، منظور نظر می‌باشد.

### ۱- ۱ موارد خمس

منافعی که به آن خمس تعلق می‌گیرد، از راهایی مختلف به دست می‌آید که تمام آنها در صورت شرعی بودن، از نظر اسلام تأیید شده است. برخی از آن موارد عبارتند از:

الف) آنچه از طریق ارایه خدمات به دست می‌آید. مانند: حق الوکاله، حق‌الامتياز، حق مشاوره، حق معاینه پزشکی و ...

ب) در اثر ایجاد عقود مختلف اسلامی باشد. مانند: مضاربه، اجاره، مزارعه، مساقات، بیع، جعاله و ...

ج) با انجام کار به دست آید. مانند: مجسمه‌سازی، بنایی، نقشه‌کشی، حفاری، لایروبی قنوت و ...

د) یا اصلاً منفعتی به صورت غیرمنتظره، در دست دارنده قرار گیرد. مانند: هبه، جایزه.

تمام این موارد یاد شده را فقها تحت عنوان منفعت کسب، درباره‌اش بحث کرده‌اند. از نظر فقیهان

شیعه، خمس شامل موارد زیر می‌شود:

۱- منافع کسب سالیانه؛

۱. سوره انفال آیه ۴۱.



۲- معدن؛

۳- گنج؛

۴- مرواریدی که با غوص کردن به دست می‌آید؛

۵- غنائیم جنگی؛

۶- مال حلال مخلوط به حرام؛

۷- مال غیرمنقولی که کافر از مسلمان بخرد که باید معادل ۲۰٪ ارزش آن را به حکومت

اسلامی بپردازد.

در فقه الرضا<sup>۱</sup> آمده است: «خمس واجب است به سوزن خیاط و بر صنعتگر برای صنعتش و بالاخره

هرکسی که از این راهها منفعتی به دست آورد، بر گردن او خمس است و باید بپردازد».

## ۲- زکات

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ  
يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ<sup>۲</sup>

مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند. به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد. خداوند توانا و حکیم است!

زکات در لغت از ریشه (زکی) به معنی رشد و نمو و زیادتی است و خارج کردن زکات، موجب برکت در مال است. نیز به معنی طهارت است. زیرا زکات پاک‌کننده مال از خبث و پلیدی و پاک‌کننده نفس از بخل است. در اصطلاح فقه یعنی: «دادن حق واجب مالی در اموالی معلوم که با گذشتن زمانی مقرر و نصابی مشخص، برای مصرفی خاص، وارد شده است». با توجه به آیه ۸۳ سوره بقره و نیز آیاتی دیگر، مشخص می‌شود که این حقوق مالی به صورت عام - نه اخص آن در اسلام - در دیگر شریعت‌های الهی نیز بوده است.

طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان (۱/۲۹۹) از قول ابن عباس نقل می‌کند: «زکاتی را که خداوند بر بنی‌اسرائیل واجب کرد، بدین صورت بود که در اموال آنها فریضه‌ای قرار داده بود که باید قربانی کنند و آن را در محلی بگذارند. هرگاه آتشی فرود می‌آمد و در آن قربانی اثر می‌کرد و آن را می‌برد، دلیل قبول شدن قربانی بود و اگر چنین نمی‌شد، دلیل بر عدم پذیرش آن بود».

خداوند متعال در ۳۲ آیه در قرآن کریم، زکات را ذکر فرموده است؛ ولی منظور از نام بردن زکات در همه این آیات، زکات واجب و اصطلاحی در شرع اسلام نیست؛ زیرا زکات دو مفهوم عام و خاص را در بر دارد. زکات به معنی عام آن، اتفاق است. اینجا زکات به معنی خاص موردنظر است که بار آن،

۱. شیخ صدوق، فقه الرضا، ص ۲۹۴.

۲. سوره توبه آیه ۷۱.



برخلاف بسیاری از مالیات‌ها، بر دوش همه افراد جامعه، بخصوص افراد طبقات پایین نیست؛ بلکه به عهده افرادی خاص است که دارای تولید دامی و زراعی و یا ثروتی خاص باشند که در این صورت، باید این مالیات اسلامی را به نام یک واجب دینی بپردازند که اگر با طیب خاطر آن را بپردازند، ثواب الهی نصیب آنها خواهد شد. ولی اگر با قدرت حکومت اسلامی، مجبور به پرداخت شوند، فقط عذاب شامل آنها نمی‌شود و ثوابی نیز نمی‌برند.

علامه طباطبایی در المیزان<sup>۱</sup> می‌نویسد: «زکات به معنی حق مالی و یا مطلق انفاق در راه خدا است، و برای این زکاتش گفته‌اند که باعث زیادی مال و اصلاح مفاسد اجتماع و تکمیل نواقص آن می‌شود». خداوند متعال در بسیاری از آیات، آن را جزو صفات مؤمن نام برده و بلافاصله بعد از نماز ذکر کرده است. مانند آیه مذکور که در ابتدا صفات عامه مؤمنین را بیان می‌کند، سپس می‌فرماید: «وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» مومنین کسانی هستند که ... نماز به پا می‌دارند و زکات می‌پردازند. در المیزان<sup>۲</sup> ذیل این آیه آمده است: «نماز و زکات دو رکن وثیق در شریعت اسلام است. اما نماز، رکن عبادات غیرمالی است که رابط میان خدا و خلق است؛ ولی زکات رابطه‌ای است که در معاملات میان خود مردم برقرار است».

در توصیف مؤمنین می‌فرماید: یکی از صفات ایشان این است که اگر در زمین تمکنی پیدا کنند و در اختیار هر قسم زندگی که بخواهند، آزاد باشند، در میان همه انواع و اثناء زندگی، یک زندگی صالح را اختیار می‌کنند و جامعه‌ای صالح به وجود می‌آورند که در آن جامعه نماز به پا داشته، و زکات داده می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گیرد.

و اگر از میان همه جهات عبادی، نماز و از میان همه جهات مالی، زکات را نام برد، بدین جهت است که این دو، در باب خود (عبادات) عمده هستند.

و وقتی صفت مؤمنین مذکور در صدر آیات این باشد و مراد از این صفت نیز آن باشد که در صورت داشتن قدرت و اختیار، اجتماعی صالح به وجود می‌آورند، نتیجه می‌گیریم که مراد از «مؤمنین» تنها عموم مؤمنین آن روز نیست؛ بلکه عامه مسلمین تا روز قیامت است، و این خصیصه و طبع هر مسلمانی است، هر چند که قرن‌ها بعد به وجود آید. پس طبع مسلمان از آن جهت که مسلمان است، صلاح و سداد است، هر چند که احياناً بر خلاف طبعش کاری برخلاف صلاح انجام دهد.<sup>۳</sup>

وقتی درآمد سرشار کسانی که باید زکات بپردازند، صرف کارهایی مهم که در مستحقین زکات آمده، و یا در راه آنچه که مورد رضای خداست، بشود، به گونه‌ای که همگان از آن بهره‌مند شوند، عدالت واقعی اجتماعی و اقتصادی برقرار می‌شود. زیرا غنی می‌آموزد آنچه در دست اوست، باید در راه شکوفایی اقتصادی و اجتماعی به کار گرفته شود و به صورت ذخیره و احتکار محبوس نشود.

۱. طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن ج ۸ ص ۳۰۸.

۲. همان ج ۱۴ ص ۵۴۶.

۳. همان ج ۱۴ ص ۵۴۷.



وقتی درآمد سرشار کسانی که باید زکات بردازند، صرف کارهایی مهم که در مستحقین زکات آمده، و یا در راه آنچه که مورد رضای خداست، بشود، به گونه‌ای که همگان از آن بهره‌مند شوند، عدالت واقعی اجتماعی و اقتصادی برقرار می‌شود. زیرا غنی می‌آموزد آنچه در دست اوست، باید در راه شکوفایی اقتصادی و اجتماعی به کار گرفته شود و به صورت ذخیره و احتکار محبوس نشود.

## ۲- ۱ موارد زکات

زکات نوعی مالیات بر تولید دامی و کشاورزی و نیز طلا و نقره ذخیره شده است که این طلا و نقره وقتی از چرخه اقتصادی خارج شود، باید مالیات آن به نام زکات پرداخته شود؛ ولی اگر داخل چرخه اقتصادی باشد، با شرایطی به آن خمس تعلق می‌گیرد.

بنابر روایات وارده، زکات به موارد زیر، با شرایطی خاص تعلق می‌گیرد:

- ۱- انعام ثلاثه شامل: گاو، گوسفند و شتر؛
- ۲- غلات اربعه شامل: گندم، جو، خرما و کشمش؛
- ۳- نقدین شامل: طلا و نقره؛
- ۴- بر مال التجاره که پرداخت زکات آن مستحب است؛

## ۳- جزیه

کسانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، بنا بر اصل «لا إكراه فی الدین» اجبار و اکراهی برای پذیرش اسلام ندارند. اما از آنجا که کفار اهل کتاب، در بین مسلمین با آرامش و امنیت خاطر زندگی می‌کنند، باید سهم خود را برای مصارف عمومی که به تناسب زمان و مکان و شرایط و رعایت جمیع مصالح مسلمین تعیین شده است، بپردازند. زیرا از آنها به دلیل کفرشان خمس و زکات پذیرفته نمی‌شود. تنها در صورت پرداخت مالیاتی دیگر است که مورد حمایت مسلمین قرار می‌گیرند و هیچ‌کس حق تجاوز به آنها را ندارد. اما در مقابل آنها نیز باید از قوانین اسلام اطاعت کنند. سرانه‌ای که هر یک از آنها باید بپردازند «جزیه» نام دارد.

جزیه از ماده «جزاء» به معنی مالی است که از غیرمسلمانانی که در پناه حکومت اسلامی قرار می‌گیرند، گرفته می‌شود و این نامگذاری به خاطر آن است که آن را به عنوان «جزاء» در برابر حفظ مال و جانشان» به حکومت اسلامی می‌پردازند.<sup>۱</sup>

به اهل کتابی که جزیه می‌پردازند، کافر ذمی می‌گویند. فاضل مقداد شرایط کافران ذمی را برای زندگی در پناه حکومت اسلامی، به شرح زیر نام برده است:<sup>۲</sup>

### ۱- پرداخت جزیه؛

۱. مقررات راغب ص ۹۳.
۲. فاضل مقداد، کنز‌العرفان فی فقه القرآن ج ۱ ص ۳۶۲.





۲- جاری شدن احکام اسلام بر آنها؛

۳- به مسلمانان آسیبی نرسانند و جان و مال و خانواده مسلمان، از آنان در امان باشد؛

۴- کنیسه و کلیسا برپا نکنند و در جامعه اسلامی، ناقوس‌های خود را به صدا درنیاورند؛

۵- تظاهر به اعمال حرام نکنند؛

اگر آنان با هر یک از موارد یاد شده، مخالفتی بکنند، از تحت حمایت حکومت اسلامی خارج می‌شوند. بدین معنا که از شرایط ذمه خارج شده‌اند. نکته مهم در پرداخت جزیه که رافت اسلامی را نشان می‌دهد، این است که جزیه را فقط از مردان می‌گیرند و زنان و اطفال جزیه‌ای نمی‌پردازند.

پرداخت این حق مالی بنا بر نص وارد شده در سوره توبه آیه ۲۹ می‌باشد:

«قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»

با کسانی از اهل کتاب که به خدا و به روز جزا ایمان ندارند، و آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده، حرام نمی‌شمردند، و آیین حق را نمی‌پذیرند، بیکار کنید، تا زمانی که جزیه را به دست خود یا خضوع و تسلیم بپردازند.

«صاغر» در آیه ذکر شده از ماده «صغر» (بر وزن پسر) به معنی کسی است که به کوچکی راضی شود و منظور از آن در آیه فوق آن است که پرداختن جزیه، باید به عنوان خضوع در برابر آیین اسلام و قرآن باشد. به تعبیر دیگر، نشانه‌ای برای همزیستی مسالمت‌آمیز و قبول موقعیت یک اقلیت سالم و محترم، در برابر اکثریت حاکم است.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی نیز می‌نویسد: «از آنچه در صدر آیه مورد بحث از اوصاف سه‌گانه اهل کتاب، به عنوان حکمت و مجوز قتال با ایشان ذکر شده و از اینکه باید با کمال ذلت جزیه بپردازند، چنین برمی‌آید که منظور از ذلت ایشان، خضوعشان در برابر سنت اسلامی، و تسلیمشان در برابر حکومت عادلانه جامعه اسلامی است و مقصود این است که مانند سایر جوامع نمی‌توانند در برابر جامعه اسلامی صف‌آرایی و عرض‌اندام کنند و آزادانه در انتشار عقاید خرافی و هوی و هوس خود به فعالیت بپردازند و عقاید و اعمال فاسد و مفسد جامعه بشری خود را رواج دهند؛ بلکه باید با تقدیم دو دستی جزیه، همواره خوار و زیردست باشند.

#### ۴ - خراج

بنا بر تحقیق کلاذتری<sup>۲</sup> اگر از کافران ذمی (برای زندگی کردن در سرزمین اسلامی و تحت حمایت بودنشان) سرانه‌ای بگیرند، به آن جزیه می‌گویند. ولی خراج را در نوع خود، بر بعضی از اراضی مانند

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه ج ۷ ص ۳۵۴.

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹ ص ۳۲۳.

۳. کلاذتری، علی‌اکبر، الجزیه و احکامها، ص ۲۰.



اراضی مفتوح‌العنوه، یا اراضی که با صلح در دست مسمانان قرار گرفته، یا متعلق به امام مسلمین است، می‌بندند.

خراج می‌تواند عنوانی عام برای مالیات بر روی اراضی مزروعی باشد. برخی آن را به هر نوع مالیات حکومتی، غیر از خمس و زکات اطلاق می‌کنند که می‌توان منظور امام در نهج‌البلاغه را همین مورد دانست.

### ۳) معافیت‌های مالیاتی

آیا هر منفعتی که به دست می‌آید، مشمول مالیات می‌شود؟ خیر. بنا بر قول مشهور در بین فقها، چند مورد از پرداخت مالیات (خمس) معاف هستند:

الف) مهریه ظاهر آن است که در مهریه خمس نیست.<sup>۱</sup> زیرا فرض سود در آن وجود ندارد. نیز صاحب مدارک الاحکام<sup>۲</sup> و بسیاری دیگر از فقها، بر همین رأی هستند.

ب) ارث ظاهر آن است که در ارث خمس نیست.<sup>۳</sup> نیز صاحب جواهرالکلام همین نظر را دارد و می‌نویسد: «در ارثی که بین پدر و پسر باشد، خمس نیست؛ ولی نمای حاصل از آن، خمس دارد». بسیاری دیگر از فقها، بر همین رأی هستند.

ج) مالی که مرد، عوض طلاق خلع اخذ می‌کند.<sup>۴</sup> اما یزدی در عروه‌الوثقی<sup>۵</sup> دادن خمس آن را، احتیاط مستحب دانسته است.

### ۴) هزینه‌های قابل قبول در نظام مالیاتی اسلامی

در نظام مالیات اسلامی، عدالت به وضوح نمایان است. یعنی هرکس به اندازه‌ای که ذخیره کرده، مالیات می‌پردازد، نه آنچه که هزینه کرده است. هزینه‌ها، شامل مواردی متعدد است که مطابق شأن خمس‌دهنده می‌باشد. مانند: تهیه غذا، مسکن، پوشاک، خرید جهیزیه، هزینه ازدواج، پرداخت بهای آب، برق، گاز، تلفن، خرید هدایا در حد متعارف خانواده‌اش، هزینه سفرها، نذر، کفاره، صدقه، سفر حج، هزینه اجاره، اجرت کارگر، هزینه حمل و نقل، حتی مالیاتی که دولت ظالم به زور می‌گیرد.

امام علی (علیه السلام) در نامه ۵۱ نهج‌البلاغه، خطاب به کارگزاران اقتصادی در هنگام گرفتن مالیات، این‌گونه می‌فرماید:

«برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی، مرکب‌سواری و برده‌کاری مالیات‌دهنده

۱. حایری، مرتضی، الخمس، ص ۱۶۷.

۲. عاملی، سیدمحمد حسن، مدارک الاحکام، ج ۵، ص ۳۸۴.

۳. همان، ص ۱۶۵.

۴. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۱۶، ص ۵۴.

۵. شیخ اصفهانی، حاشیه مکاسب، ج ۵، ص ۴۱۴ و خویی، الخمس - الاول، ص ۲۱۶.

۶. طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم، عروه‌الوثقی، ج ۲، ص ۲۸۹.



را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزدیک و دست‌اندازی به مال کسی نکنید. چه نمازگزار باشد یا غیرمسلمانی که در پناه اسلام است».

و در بخشی از نامه ۵۳ به مالک‌اشتر این‌گونه خطاب کرده‌اند که: «اگر مردم از سنگینی مالیات، یا آفت‌زدگی، یا خشک شدن آب چشمه‌ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها، یا خشکسالی شکایت کردند، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف‌ده، تا امورشان سامان گیرد و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نکند».

این نامه بیانگر این معناست که اگر حتی هزینه‌ها غیرمنتظره بودند و یا مشکلات طبیعی، مانع منفعت بردن شدند، حکومت اسلامی می‌تواند بنا بر صلاح فرد و جامعه، از آنها مالیات نگیرد.

شیخ صدوق می‌نویسد: <sup>۱</sup> «در توقیعات امام رضا (علیه السلام) به ابراهیم بن محمد همدانی آمده است که خمس پس از کسر هزینه‌ها می‌باش».

در وسایل‌الشیعه آمده است: <sup>۲</sup> «محمد بن ادریس به نقل از ... از ابی بصیر روایت کرده است که مردی به امام صادق (علیه السلام) نامه نوشت و سؤال کرد که اگر کسی در باغش میوه‌هایی پرورش یافته باشد که خانواده‌اش، از آن بخورند و مقداری دیگر از میوه‌ها را به صد یا پنجاه درهم بفروشد، آیا به همه آنها خمس تعلق می‌گیرد؟ حضرت در پاسخ نوشتند که آنچه خورده‌اند، خمس ندارد؛ ولی آنچه فروخته است، مانند بقیه کالاهاست و باید خمس آنها را بدهد».

## ۵) دوره مالی

برای هرکدام از این حقوق مالی، دوره‌ای در نظر گرفته شده است:

### ۱ - خمس

منفعتی که در مدت یک سال مالی، نصیب دارنده آن می‌شود، پس از کسر هزینه‌هایی که در بالا ذکر شد و مانند آن، یک‌پنجم یعنی بیست در صد منفعت باقیمانده را باید بابت خمس بپردازد.

### ۲ - زکات

دوره مالی زکات برای هرکدام از موارد آن فرق می‌کند و دارای شرایطی خاص می‌باشد. زکات غلات اربعه را بعد از برداشت زراعت، حساب می‌کنند و می‌پردازند. انعام ثلاثه و نقدین را بعد از اینکه مالک، یازده ماه کامل قمری آنها را در تملک خود داشت، باید زکات آن را بپردازد.

### ۳ - جزیه

مستفاد از روایات این‌گونه است که جزیه را امام، سالی یک‌بار از کافر ذمی دریافت می‌کند.

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۲.

۲. عاملی، محمد بن حسن، وسایل‌الشیعه، ج ۲، ص ۳۵۲.



## ۴ - خراج

خراج را مانند جزیه، سالی یکبار حکومت اسلامی از کسانی که مشمول پرداخت می‌شوند، دریافت می‌کند.

## ۶) نحوه محاسبه و پرداخت

همان‌گونه که دوره مالی هر کدام از حقوق مالیه با هم تفاوت داشت، نحوه محاسبه و پرداخت آن نیز متفاوت است.

### ۱- خمس

خمس به مواردی که قبلاً ذکر شد، تعلق می‌گیرد که هر کدام، با شرایطی باید خمس آن پرداخت شود:

۱- معادن که عبارت از همه ذخایر زیرزمینی است مانند فلزات، جواهرات، نفت، کبریت، نمک، گچ، آهک و امثال اینها در صورتی که به حد نصاب برسد. نصاب آن ۲۰ دینار است که قیمت ۱۵ مثقال طلا می‌باشد.

۲- غوص یعنی آنچه از دریا یا غواصی به دست آید. مانند: مروارید، مرجان و امثال آن که نصاب آن یک دینار است که قیمت ۱۸ نخود طلا می‌باشد.

۳- زمینی که کافر ذمی (یهود، نصاری، مجوس) از مسلمان بخرند که نصاب ندارد.

۴- گنج و آنچه زیر زمین پنهان کرده باشند و نصابش ۲۰ دینار است.

۵- غنایم به دست آمده در جهاد ابتدایی و یا جهاد دفاعی با شرایط مقرر آن.

۶- مال حلال مخلوط به حرام، یعنی مالی که در خارج باشد و با حرام مخلوط شده باشد و دارنده نه مقدارش را بداند و نه صاحبانش را بشناسد.

۷- منفعت کسب، یعنی هر نوع استفاده‌ای که انسان از طریق کسب و زراعت و تجارت و اجاره و امثال اینها به دست بیاورد. بعد از کسر هزینه‌ها.

و خمس، یعنی بیست درصد موارد ذکر شده است که مسلمان باید به نام یک واجب شرعی بپردازد و طبق نص قرآنی (انفال ۴۱) متعلق به خدا و پیامبر، و ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و در راه‌ماندگان از سادات است. بدین‌معنا که خمس به شش قسمت تقسیم می‌شود. سه قسمت از آن، متعلق به خدا و رسول و بعد از رسول متعلق به امام است که این سه قسمت، امروز، حق امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و به نام سهم امام نامیده می‌شود و باید مجتهد جامع‌الشرایط آنرا به مصرف برساند و سه قسمت باقیمانده از آن یتیم و مسکین و در راه‌مانده سادات است.

منظور از ذی‌القربی در این آیه، همه خویشاوندان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه فقط



امامان اهل بیت هستند. دلیل بر این موضوع روایاتی متواتر است که از طرق اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است<sup>۱</sup> و در کتب اهل سنت نیز اشاراتی به آن وجود دارد.

در کنز العرفان، فاضل مقداد می‌گوید: «أصحاب ما امامیه گویند که خمس شش قسمت می‌شود، سه قسمت برای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است در حال حیات او، و پس از رحلت او مخصوص می‌شود به جانشین او امام که خلیفه او باشد و از ذی القربی است و سه قسمت دیگر برای کسانی که معین شده‌اند از اولاد عبد المطلب فقط، و به این موضوع نقل صحیح از حضرت ائمه علیهم السلام رسیده و مخالفین ما نیز نقل کرده‌اند. چنانکه در تفسیر کشاف است، و در این مورد که به ضعف و فقر از ذوالقربی و یتامی و مساکین و ابنا سبیل داده می‌شود، به طور مسلم و قطعی به حکم الهی عمل شده است».

نکته مهم آن است که پیامبر و امام، یا وجود آنکه خود نیازی به اموال مردم ندارند؛ ولی از آنجا که پیشوا و رهبر دین و دنیای مردم هستند، باید بیت‌المالی که در اختیار آنهاست، پُر باشد و در امور مالی نیز مستقل باشند و هر زمان که صلاح بدانند، این اموال را به مصرف جامعه اسلامی برسانند.

آن بزرگواران با دیدی رؤیایی و غیرواقعی به جامعه نمی‌نگرند؛ بلکه با رهبری صحیح و الهی خود، جامعه را به راهی روشن و هموار رهنمون هستند. بنابراین برای این هدایت، باید اموالی در اختیار داشته باشند.

«واگذاری اموال مذکور مثلاً به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بدین معنا نیست که آن حضرت، تملک شخصی بر اموال مذکور دارد؛ بلکه خداوند به پیامبر و امام به عنوان رهبر حکومت اسلامی، برای گذران امور دستگاه حکومتی و نیز تأمین نیازهای جامعه در تمام ابعاد آن، حق سرپرستی و کنترل این اموال را داده است. گویی که جهان به مثابه خانه‌ای وسیع است و ساکنان آن همگی اعضای یک خانواده. بزرگ و سرپرست این خانواده، امام و رهبر معصوم است که درآمد خانواده، باید زیر نظر و تدبیر آن رئیس و طبق برنامه و طرحی دقیق، صرف امور مورد نیاز شود»<sup>۲</sup>.

سید محسن حکیم در کتاب مستمسک عروه‌الوقتیه آورده است:<sup>۳</sup>

«خمس ملک شخصی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه ملک منصب شریف زعامت دینی است. بنابراین کسی که حایز این منصب است، ولایت مال را نیز خواهد داشت و اخبار متضمن این امر که سهم خدا و رسول، از آن امام است، اشاره به همین مطلب است. مضافاً بر اینکه معزول داشتن حاکم اسلامی از ولایت این مال، متجر به نابودی خود ولایت اسلامی خواهد شد. در صورتی که حفظ آن از مهمترین واجبات دینی است؛ زیرا بقای نظام دین، برقراری مذهب و حفظ حقوق جامعه، وابسته به آن است و بدون آن، امور دینی و دنیوی مردم، مختل خواهد شد».

و اما منظور از یتیمان و مسکینان و در راه‌ماندگان، تنها ایتام و مساکین و ابنا سبیل سادات می‌باشند.

۱. عاملی، محمد بن حسن، وسایل‌الشیعه، ج ۹، ص ۵۰۹.

۲. برداشتی از: مشکینی، بحثی پیرامون خمس، ص ۸.

۳. طباطبایی حکیم، سیدمحسن، مستمسک العروه‌الوقتیه، ج ۹، ص ۵۸۴.



اگرچه ظاهر آیه مطلق است و قیدی در آن دیده نمی‌شود؛ ولی دلیل بر این تقييد، روایاتی بسیار است که در تفسیر آیه، از طریق اهل بیت وارد شده است و نیز می‌دانیم بسیاری از احکام، در متن قرآن، به طور مطلق آمده؛ ولی شرایط و قیود این حکم، با سنت بیان شده است و این نحوه بیان، منحصر به آیه مورد بحث نیست تا جای تعجب باشد.

به علاوه، با توجه به آنکه زکات بر نیازمندان بنی‌هاشم به طور مسلم حرام است، باید احتیاجات آنها از طریق دیگری تأمین شود و این خود قرینه است بر اینکه منظور از آیه فوق، خصوص نیازمندان بنی‌هاشم است. لذا، در احادیث می‌خوانیم که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «خداوند هنگامی که زکات را بر ما حرام کرد، خمس را برای ما قرار داد. بنابراین زکات بر ما حرام است و خمس حلال»<sup>۱</sup> کوتاه سخن آنکه، در اهمیت خمس همین بس که خداوند در آیه مزبور، اداء آن را معلق بر ایمان نموده که مشعر به علیت است. یعنی هر که ایمان دارد، خمس می‌دهد و هر که خمس ندهد، ایمان ندارد و اخبار در مذمت تارک آن بسیار است.

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «هلک الناس فی بطونهم و فروجهم لأنهم لم یؤدوا الینا حقنا» یعنی: مردم به واسطه شکم‌ها و عورت‌های خود هلاک شدند. برای اینکه حق ما را نداده‌اند.

## ۲- زکات

نحوه محاسبه زکات برای هر کدام از موارد آن فرق می‌کند:

### ۲- ۱ شرایط غلات اربعه

الف) وقتی در مرحله برداشت باشند که برداشت هر کدام از آنها با دیگری فرق می‌کند. (ب) به حد نصاب برسند. نصاب آنها تقریباً ۸۴۷ کیلوگرم می‌شود. (ج) نحوه آبیاری، تأثیر مستقیم بر روی مقدار زکات دارد. اگر از آب باران یا نهر به صورت دیمی آبیاری شود، یک‌دهم مقدار تولید شده را باید بابت زکات بدهد. اگر آبیاری دستی باشد، یک‌بیستم را می‌دهد و اگر به هر دو نوع، به طور مساوی آبیاری شود، سه‌چهلیم بدهد، کافی است.

### ۲- ۲ شرایط انعام ثلاثه

الف) مالک، یازده ماه کامل قمری، آنها را در تملک خود داشته باشد. (ب) به حد نصاب برسند. هر کدام نصابی خاص دارند که در کتاب‌های فقهی به طور مفصل بیان شده است.

۱. عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۴.

۲. شیخ مفید، المقننه، ص ۲۸۲.



ج) حیوان در تمام سال از علف بیابان چرا کند. یعنی مالک آب و علوفه دستی به آنها ندهد. بنابر نظر برخی فقها اگر از حیوان، برای آبیاری، شخم زدن و مانند آن استفاده شود، مالک احتیاطاً باید زکات آنها را بدهد. بنابراین اگر این حیوانات را برای خوردن گوشتشان، با آب و علوفه دستی پرورش دهند، زکات ندارد.

د) امکان تصرف برای مالک موجود باشد. بنابراین اگر انعام مالک، غصب شده باشد، زکات ندارد تا زمانی که به تصرف خودش درآید.

## ۲-۳ شرایط نقدین

الف) مالک، یازده ماه کامل قمری، آنها را در تملک خود داشته باشد.

ب) به حد نصاب برسند. اینها نیز مانند انعام ثلاثه، هرکدام نصایی خاص دارند که در کتابهای فقهی به طور مفصل بیان شده است.

ج) طلا و نقره، مسکوک باشند.

د) مالک آنها، بالغ و عاقل باشد و امکان تصرف برای وی موجود باشد.

نحوه پرداخت زکات:

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ<sup>۱</sup>

زکات مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع‌آوری) آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه. این، یک فریضه (مهم) الهی است و خداوند دانا و حکیم است!

در تفسیر قمی در ذیل این آیه آمده است:<sup>۲</sup> «این آیه موقعی نازل شد که صدقات جمع‌آوری شده از اطراف، به مدینه حمل شد. ثروتمندان همه آمدند، به خیال اینکه از این صدقات سهمی می‌برند. ولی وقتی دیدند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همه را به فقرا داد، شروع کردند به حرف مفت زدن و خرده‌گیری کردن، و گفتند: ما سنگینی صحنه‌های جنگ را بر دوش خود تحمل می‌کنیم و به همراهی او به جنگ می‌پردازیم و دین او را تقویت می‌کنیم و او صدقات را به مستی فقیر می‌دهد که نه توانایی یاری کردنش را دارند و نه دردی از او دوا می‌کنند. خداوند این آیه (سوره توبه آیه ۵۹) را نازل کرد: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ رَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ».

آنگاه خود خدای تعالی صدقات را تفسیر کرده و توضیح داد که این صدقات را چه کسانی باید بپردازند، و به چه کسانی باید داده شود و فرمود: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ

۱. سوره توبه، آیه ۶۰.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۹۸.

حَكِيمٌ».

همه مردم را از مشمولیت صدقات بیرون نموده، تنها هشت صنف را مستحق آن دانست و از ایشان اسم برد. آنگاه امام صادق (علیه السلام) یکایک آن مصارف را توضیح داد و درباره فقرا فرمود: کسانی هستند که (زکات خوردن را حرفه خود قرار نداده باشند و) در یوزگی نکنند، و عیال وار باشند. دلیل اینکه گفتیم، نباید در یوزگی کنند، این آیه است (سوره بقره آیه ۲۷۳) که می فرماید: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْتُلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا».

و مسکینان عبارتند از افراد علی، از قبیل کورها و اشخاص بی دست و پا و جذامی، و هر علیی دیگر، از مرد و زن و کودک.

و کارکنان در امر زکات عبارتند از کسانی که برای گرفتن و جمع آوری و نگهداری آن فعالیت می کنند.

و مؤلفه قلوبهم عبارتند از مردمی که قایل به توحید خدا هستند، ولیکن هنوز معرفت در دل هایشان راه نیافته و نفهمیده اند که محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. لذا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دل های ایشان را به دست می آورد، به ایشان زیاده از حد محبت می کرد و تعلیم می داد تا شاید او را به نبوت بشناسند و یک سهم از صدقات را هم برای آنان قرار داد، تا دل هایشان به اسلام متمایل گردد.<sup>۱</sup>

و فِي الرَّقَابِ «و آزاد کردن بندگان». بیت المال بر صاحبان آنها مالی می پردازد تا آزادی آنان را بازگرداند.

و النَّارِمِينَ یعنی زکات برای مصرف کردن در پرداخت قرض بدهکاران.

و فِي سَبِيلِ اللَّهِ (در راه خدا) مصرفی است عمومی و شامل تمامی کارهایی می شود که نفعش عاید اسلام و مسلمین شده و با آن مصلحت دین حفظ می شود که روشن ترین مصداق آن جهاد در راه خدا و بعد از آن سایر کارهای عام المنفعه از قبیل راه سازی، پل سازی، ساختن مدرسه و امثال آن است.

و ابْنِ السَّبِيلِ مسافری است که دستش از خانه و کاشانه خود خالی شده و اکنون ره توشه اش به پایان رسیده است. از صدقات مالی به او می پردازند تا خود را به خانه خویش رساند.

### ۳ - جزیه

بنا بر قول مشهور، برای جزیه مقداری ثابت مشخص نکرده اند و اندازه آن بستگی به نظر امام دارد. در وسایل الشیعه آمده است:<sup>۲</sup> «محمد بن یعقوب از علی بن ابراهیم از پدرش از حماد بن عیسی از حریر

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۹۹.

۲. عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۱۳.



از زراره از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که: به امام عرض کردم: اندازه جزیه بر اهل کتاب چقدر است؟ آیا مقداری مشخص است که نباید از آن تجاوز کرد؟ امام فرمود: بستگی به نظر امام دارد. از هر کس که بخواهد، نسبت به مال و طاقتش می‌گیرد».

جزیه، بنا بر قول مشهور، صرف جهاد و دفاع از کشور اسلامی می‌شود. و خراج نیز مقداری ثابت برای آن وجود ندارد و مانند جزیه بستگی به نظر حاکم اسلامی دارد.

## ۷) چگونگی اخذ

خمس عبادتی است که مسلمان خودش آن را محاسبه می‌کند و از طرف حاکم شرع، کسی برای گرفتن آن مراجعه نمی‌کند؛ بلکه مانند بسیاری دیگر از عبادات، مکلف خودش می‌داند با خدای خودش. زکات را حاکم شرع یا کسی که از طرف او مأمور جمع‌آوری است، مطالبه می‌کند. وقتی گندم و جو را از کاه جدا می‌کنند و خرما و کشمش، زمان خشک شدنشان می‌باشد، هنگام پرداخت زکات است. اگر مالک زکات را ندهد و آنچه که زکات بر آن واجب شده است، از بین برود، باید عوض آن را بدهد. نحوه اخذ جزیه و خراج نیز، همانند اخذ زکات و به دست حکومت است.

## ۸) ضمانت اجرایی

ضمانت اجرایی برای اوامر زکات و خمس، ضمانتی اخروی است؛ زیرا عبادت است و مسلمان وظیفه خود را باید در قبال اوامر و نواهی بداند که در صورت عدم اطاعت از آنها، عذاب الهی در انتظارش خواهد بود؛ اما فرقی که با دیگر عبادات دارد، این است که در عدم انجام برخی از عبادات، حکومت وارد عمل نمی‌شود و مسلمان را به زور مجبور به انجام امر یا ترک نهی نمی‌کند؛ ولی برای گرفتن زکات (و نیز جزیه و خراج که عبادت نیستند) مأمور وصول مالیات وجود دارد و آن را از زکات‌دهنده و جزیه‌دهنده و خراج‌دهنده حتی به زور می‌گیرد. در این باره اخطار و اندازهایی برای تارک زکات و خمس در آیات و روایات، بسیار وارد شده که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

خداوند متعال می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْيَارِ وَ الرَّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُخْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَا تَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند و (آنان را) از راه خدا باز می‌دارند! و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان)

۱. سوره توبه آیه ۳۴.

۲. سوره توبه آیه ۳۵.





می‌سازند، و در راه خدا اتفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده!

در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن صورت‌ها و پهلوها و پشت‌هایشان را داغ می‌کنند (و به آنها می‌گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوختید (و گنجینه ساختید)! پس بچشید چیزی را که برای خود می‌اندوختید!

در تفسیر اطیب‌البیان در ذیل این آیه آمده است: <sup>۱</sup> «خداوند به نحو عموم که اختصاص به اجبار و رهبانان نداشته باشد و شامل جمیع طبقات از مشرکین و کفار و مسلمین شود، می‌فرماید: کسانی که جمع‌آوری مال دنیا می‌کنند، به خصوص از طرق غیر مشروع - تعبیر به کنز و ذهب و فضه از باب مثال است. چون سابقاً پول رایج طلا و نقره بوده و از خوف سرقت و عدم امنیت زیر خاک می‌کردند والا شامل اسکناس و چک و سپرده به بانک‌ها نیز می‌شود ولو به تنقیح مناط قطعی - وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ و آن را در راه خدا اتفاق نمی‌کنند که شامل انفاقات واجبه مثل زکات و خمس و کفارات و نذور و دیات و دیون و حج و وصایا و امثال اینها، و مندوبه مثل صلح‌رحم و دستگیری از فقرا و مساکین و شعائر اسلامی و حفظ نفوس مسلمین و اعلا کلمه اسلام و صرف جهاد فی سبیل‌الله و امثال اینها که بسا واجب می‌شود، فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ آنها را به عذابی دردناک بشارت بده».

از حضرت صادق (علیه‌السلام) روایت شده که فرمود: <sup>۲</sup>

«من منع قیراطا من الزکاه لیس بمؤمن و لا مسلم و هو قوله تعالی رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت».

یعنی: «هرکس قیراطی از زکات را ندهد نه مؤمن است و نه مسلمان و قول خداوند متعال: «پروردگارا مرا بر گردان شاید در آنچه واگذارده‌ام، عمل نیکو بجای آورم» درباره مانع زکات است که سؤال بازگشت می‌کند».

و نیز در الکافی از آن بزرگوار آمده که: <sup>۳</sup>

«مَنْ مَنَعَ قِیْرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمَتْ أَنْ شَاءَ يَهُودِيَا أَوْ نَصْرَانِيَا».

یعنی: «هر کس قیراطی از زکات را ندهد پس باید یهودی یا نصرانی بمیرد».

و یا: <sup>۴</sup> «ما ضاع مال فی بر و لا بحر الا بترک الزکاه».

یعنی: «هیچ مالی در خشکی و دریا ضایع نمی‌شود مگر به واسطه مانع زکات».

و نیز: <sup>۵</sup>

«اسخى الناس من ادى زکاه ماله».

یعنی: «سخی‌ترین مردم کسی است که زکات مالش را ادا کند».

۱. طیب، سیدعبدالحسین، الطیب البیان، ج ۶، ص ۲۱۲.

۲. کلینی رازی، ابوجعفر، الکافی، ج ۳، ص ۵۰۳.

۳. همان، ج ۳، ص ۵۰۵.

۴. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷، و نیز عاملی، محمدین، وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۲۲۸.

۵. معانی الاخبار، ص ۱۹۵.

و از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در مذمت کسی که خمس نمی‌دهد، روایت شده که فرمود: «هلک الناس فی بطونهم و فروجهم لأنهم لم یؤدوا الینا حقنا». یعنی: «مردم به واسطه شکم‌ها و عورت‌های خود هلاک شدند. برای اینکه حق ما را ندادند».

## نتیجه‌گیری

جامعه بدون اقتصاد فعال و پویا، جامعه‌ای بی‌تحرک و مرده محسوب می‌شود. زمانی اقتصاد، پویا خواهد بود که مبادله اقتصادی صحیح و معاملات به صورت سالم انجام شود و در عین حال بیت‌المال کشور اسلامی، بدون درآمد نباشد.

امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه، چه زیبا گروه‌های مردمی را ترسیم کرده است: «ای مالک! مردم از گروه‌های گوناگون می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ‌یک از گروه‌ها، از گروه دیگر بی‌نیاز نیست».

سپس امام، گروه‌ها را بدین گونه تقسیم‌بندی می‌فرماید:

۱- سربازان که حضرت با عنوان لشکریان الهی از آنها نام می‌برد.

۲- مردم معمولی؛

۳- قضات و کارگزاران دولت و نویسندگان حکومت که اینان قراردادهای و معاملات را استوار می‌کنند و آنچه را به سود مسلمانان است، فراهم می‌کنند.

۴- بازرگانان و صاحبان صنایع که سه گروه یاد شده، بدون آنها نمی‌توانند دوام بیاورند؛ زیرا آنها وسایل زندگی را فراهم می‌کنند و در بازارها عرضه می‌کنند.

۵- از نظر امام گروه بعدی، طبقه پایین از نیازمندان و مستمندان هستند که باید به آنها بخشش و یاری کرد.

برای تمام اقشار یاد شده، در پیشگاه خدا گشایشی است و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود، بر زمامدار حقی معین دارند و زمامدار در صورتی می‌تواند بر انجام آنچه خداوند معین کرده، موفق باشد که تلاش فراوان کند و از خدا یاری بطلبد و خود را برای انجام حق آماده سازد».<sup>۱</sup>

دیدگاه امام، همان دیدگاه اسلام در نظام مالی و تأمین منابع آن است و نظام مالی، مانند خونی است که در شریان‌ها گردش دارد که بدون وجود آن، انسان زنده نمی‌ماند. در نظام مالی و اقتصادی اسلام، رابطه کارگر با کارفرما، کارگر با تاجر و تجارت، کارفرما یا به عبارتی کارگزار با صاحبان صنایع و حرفه، کارگزار و تاجر یا زارع و مزارع، و نیز وجود عقود مختلف از قبیل: مزارعه، مساقات، مضاربه، همه و همه بر پایه آبادانی و رشد و جلوگیری از تجمع ثروت در دست گروهی خاص استوار است.

به همین دلیل اگر برای مثال، به هر کدام از هشت گروه مستحقین زکات بنگریم، به نوعی معنای

۱- شیخ مفید، المقننه، ص ۲۸۲.

۲- نامه ۵۳، نهج‌البلاغه.



سخن بالا را درک می‌کنیم. حتی عنوان «فی سبیل‌الله» یعنی عملی که می‌دانی اگر انجامش دهی، حتماً رضا و خشنودی حق در آن است. می‌خواهی برای مبادله علمی، دینی، اقتصادی، یا ... بین شهر و روستا راهی احداث کنی، با عنوان «فی سبیل‌الله» به زیبایی هر چه تمامتر، دولت اسلامی از درآمد زکات کار را انجام می‌دهد.

به هر حال، ناگفته‌ها بسیار و زمان اندک و جایگاه بحث درباره انفاق یا زکات با عنوان عام و نیز فیء و انقال باقی است. زیرا گروهی غیر از ادای حقوق واجب، به هیچ‌گونه کمک دیگری تن در نمی‌دهند. حتی حاضر نیستند به مقدار اندک نیز، به نیازمندترین افراد کمک کنند که ان شاءالله در زمانی دیگر در این‌باره سخن به میان خواهد آمد. با امید به آنکه هر یک از ما به وظایف اسلامی خود آشنا و سپاسگزار نعمت‌های الهی باشیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اصفهانی، محمد حسین، حاشیه المکاسب، تحقیق: آل سبع، عباس محمد، ناشر: محقق، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه.ق.
۴. حایری، مرتضی، الخمس، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه.ق.
۵. حسن بن محمد بن مفضل معروف به راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ناشر: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ه.ق.
۶. خویی، ابوالقاسم، کتاب الخمس - الاول، ناشر: لطفی. چاپخانه علمیه، قم، ۱۴۰۷ ه.ق.
۷. السیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله ملقب به فاضل مقداد، کنزالعرفان فی فقه القرآن، ناشر: انتشارات مرتضوی، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۶۹ ه.ش؛
۸. صدر، سید محمدباقر، اقتصادنا، مترجم: اسپهبدی، عبدالعلی، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۵۷ ه.ش؛
۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۶۳ ه.ش، چاپ اول؛
۱۰. طباطبایی حکیم، سیدمحسن. مستمسک العروه الوثقی، ناشر: کتابخانه آیةالله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ه.ق؛
۱۱. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، عروه الوثقی. ناشر: مؤسسه اعلمی، بیروت. چاپ دوم، ۱۴۰۹ ه.ق؛
۱۲. طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن. دار احیاء التراث العربی، بیروت. ۱۳۷۹ ه.ق؛
۱۳. طبیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن. ناشر: انتشارات اسلام. چاپ سوم، ۱۳۶۶ ه.ش؛
۱۴. عاملی، سید محمدحسن، مدارک الاحکام. ناشر: مؤسسه آل البیت، قم. چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق؛
۱۵. عاملی، محمد بن حسن معروف به شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. ناشر: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۹ ه.ق؛
۱۶. عکبری بغدادی، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید. المقنعه. بی تا؛
۱۷. قمی، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق، فقه الرضا، تحقیق: مؤسسه آل البیت، قم چاپ اول، ۱۴۰۶ ه.ق؛
۱۸. قمی، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه معروف به شیخ صدوق. من لا یحضره الفقیه. مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۳ ه.ق، چاپ سوم؛
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی. ناشر: قم. مؤسسه دارالکتاب للطباعة و النشر. چاپ سوم؛
۲۰. کلاتری، علی اکبر، الجزیه و احکامها. ناشر: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه.ق؛
۲۱. کلینی رازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی. ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه.ش، چاپ چهارم؛
۲۲. مشکینی، علی، بحثی پیرامون خمس. انتشارات یاسر. بی تا،
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه. ناشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا؛
۲۴. نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. ناشر: دارالکتب الاسلامیه. چاپ نهم، ۱۳۶۸ ه.ش؛
۲۵. نمازی شاهرودی، علی. مستدرک سفینه البحار. ناشر: مؤسسه نشر اسلامی زیر نظر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ ه.ق؛





شپښه گاه علوم انساني و مطالعات فرېنجي  
پر تال جامع علوم انساني

سال دويم، شمېره پنځم، زمستان ۱۳۷۸

